



شناخت شناسنامه ای امام زمان (عج)

❖ ضرورت شناخت امام زمان چیست؟

برای پاسخ، لازم است ابتدا به ۱۱ دلیل برای اهمیت شناخت امام زمان بپردازیم.

دلیل اول: علت خلقت انسان است.

امام حسین در جمع اصحاب فرمودند:

ای مردم، خداوند بندگان را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند؛ هنگامیکه او را شناختند عبادتش کنند؛ وقتی او را عبادت کردند به برکت این عبادت، از عبادت غیر او بی نیاز شوند.

مردی پرسید: شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان ببرند، بشناسند

نتیجه: شناخت خدا = شناخت امام زمان

بحارالانوار، ج ۲۳ ص ۸۳



*** جوابی هوشمندانه و معنا دار**

دلیل دوم ضرورت شناخت امام زمان: « نشانه ایمان است »
ابان بن تغلب می گوید: از امام صادق پرسیدم:
اگر کسی تمام امامان را بشناسد ولی امام زمانش را
نشناسد، آیا مؤمن است؟
حضرت فرمودند: خیر.

دوباره پرسیدم: آیا مسلمان هست؟
حضرت در پاسخ فرمودند: «بله»

نتیجه ای مهم:

« هر مسلمانی، مومن نیست »



شناخت شناسنامه ای امام زمان (عج)

*** دلیل سوم ضرورت شناخت امام عصر:**

««« شرط قبولی اعمال است »»»

معاویه بن عمار از امام صادق در مورد آیه: «و برای خدا، نام های نیک است؛ خدا را به آن نام ها بخوانید» (اعراف/ ۱۸۰) سؤال کرد، حضرت فرمودند: به خدا قسم ما نام های نیکوی پروردگاریم که هیچ عملی را خداوند از بندگانش قبول نمی کند، مگر آن که ما را بشناسند. اصول کافی، باب النوادر

*** برآستی این چه نوع شناختی است که تا این حد اهمیت دارد؟
در آینده خواهیم گفت...**



شناخت شناسنامه ای امام زمان (عج)

*** دلیل چهارم ضرورت شناخت امام عصر:**

«... راه نجات از مرگ جاهلیت است...»

پیامبر اکرم فرمودند:

هر که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

بحار الانوار، ج ۲۳ ص ۷۶

شناخت امام زمان ۲ شاخه دارد:

۱- شناخت شناسنامه ای (نام، لقب، نام پدر، محل ولادت، سال ولادت)

۲- شناخت تمام صفات، ویژگیها و خصوصیات امامت حضرت مهدی، علانم ظهور، اتفاقات قبل و بعد از ظهور، دولت کریمه ایشان، وظایف مردم در عصر غیبت، رجعت و.....

مکیال المکارم ج ۱

واقعا چقدر شناخت داریم نسبت به حضرت؟

آیا مومن هستیم یا فقط مسلمانیم؟

ان شاء الله ما جزو این دلایلی که تاکنون گفتیم و خواهیم گفت، نباشیم...



❖ اِتمام حجت...

دلیل پنجم ضرورت شناخت امام عصر:

«مردم هیچ عُذری برای ترک آن ندارند»

فُضیل می گوید: از امام باقر شنیدم که فرمودند: هرکس بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگش مرگ جاهلیت است؛ و مردم هیچ عذر و بهانه ای ندارند تا این که امامشان را بشناسند.



❖ دلیل ششم ضرورت شناخت امام عصر:

«نجات از گمراهی های دوران غیبت»

حضرت امام صادق فرمودند:

امام خود را بشناس که اگر او را شناختی، امر (فرج) چه زود اتفاق بیفتد و چه دیر،
به تو زیانی نخواهد رسید.

غیبت نعمانی، باب ۲۵

حضرت امام صادق فرمودند:

ای زُراه اگر زمان غیبت را درک کردی بر این دعا مداومت کن: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

(خدایا حجت را به من بشناسان که اگر به من شناسانی از دینم گمراه خواهم شد)

کمال الدین و تمام النعمه، باب ۳۳

تلنگر: یادمان نرود، شمر هم امام زمانش را دید، اما شناخت...

❁ دلیل هفتم ضرورت شناخت امام عصر:

« یک شب هم بدون آن نباید سپری شود »

یحیی بن عبدالله می گوید که امام صادق علیه السلام به او فرمودند:

ای یحیی هر کس « شبی » را به « صبح » برساند در حالی که امام زمانش را نمی شناسد (و بمیرد) به مرگ جاهلی مرده است.

غیبت نعمانی باب ۷ حدیث ۱

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ.....

✽ دلیل هشتم ضرورت شناخت امام عصر:

« **نداشتنش، عذاب سختی در پی دارد** »

در کتب معتبره ی علما، زیارتی برای امام زمان (عجل الله فرجه) ذکر شده است که در آن می خوانیم:

ومن عدل عن ولایتک و جهل معرفتک واستبدل بک غیرک، کبه
الله علی منخره فی النار و لم یقبل الله له عملا و لم یقم له یوم
القیامه وزنا.

و هر کس از ولایت تو روی بگرداند و نسبت به شناخت تو جاهل
باشد (و در نتیجه) دیگری را به جای تو برگزیند، خداوند او را با
صورت در آتش می افکند و هیچ عملی را از او قبول نمیکند و در
قیامت برای او وزن و ارزشی قائل نمیشود.

مفاتیح الجنان، زیارت صاحب الأمر



❖ دلایل نهم و دهم ضرورت شناخت امام عصر:

« انسان را به مقام رزمندگان در رکاب امام زمان ارتقا می دهد »

امام صادق فرمودند: هر کس امامش را بشناسد سپس پیش از آن که صاحب این امر قیام کند بمیرد، همانند کسی است که در لشکر آن حضرت نشسته است؛ نه، بلکه مانند کسی است که زیر پرچم او نشسته است

« در لحظه جان دادن بسیار به آن نیازمندیم »

امام صادق فرمودند: همانا زمین اصلاح نمی شود مگر با وجود امام؛ و هر که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؛ و زمانی که شما بیشتر از هر موقع دیگر به این شناخت نیاز دارید، هنگامی است که جانتان به این جا برسد - و با دست به سینه شان اشاره کردند - (و آن کسی که در زندگانش این شناخت را کسب کرده، در آن حال با دیدن حقایق عالم و احوال پس از مرگ خواهد گفت:) من مذهب و راه و روش خوبی داشتم.

غیبت نعمانی، باب ۲۵ - بحار الانوار، جلد ۲۳

* آخرین دلیل ضرورت شناخت امام عصر:

۱۱- "مقدمه عمل به وظایف و تکالیف است"

امام باقر علیه السلام فرمودند:

هر که "شناخت" پیدا کند این شناخت او را به سوی "عمل" راهنمایی خواهد کرد؛ و هر که شناخت "نداشته" باشد عملی نیز "تخواهد" داشت.

میزان الحکمه ج ۶ ص ۱۳۱

نتیجه: شناخت امام زمان، موتور محرک عمل (انجام وظایف) است و مقدمه لازم انتظار است

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، شناخت امام زمان ۲ بُعد دارد: ۱- شناسنامه ای. ۲- صفات و ویژگیها و...

زین پس در ادامه به بررسی "شناخت شناسنامه ای" حضرت میپردازیم



* در سایه ی دوازده خلیفه

شیعه - و اهل سنت - بر این باورند که پیامبر، بقا و عزت دین اسلام را تا روز قیامت در سایه دوازده خلیفه پس از خود اعلام کرد. اهل سنت در معرفی این افراد ناتوان شدند؛ ولی نزد شیعه، این دوازده خلیفه الهی معلوم و مشخصند. با بررسی تاریخ زندگی ایشان، متأسفانه «فشار حکومت‌های ظلم» باعث شد "ولادت آخرین حجت الهی" همچون حضرت ابراهیم و موسی «مخفیانه» اتفاق افتد!

این شکل از ولادت، شک و تردیدهایی را پدید آورد؛ لذا بیشتر اهل سنت، منکر ولادت آن بزرگوارند. علمای شیعه برای اثبات ولادت آنحضرت، تا کنون کتب متعددی نوشته اند...

آیا زمین بدون امام می ماند؟

یکصد و هجده حدیث به ما رسیده که زمین از حجت خدا خالی نمی شود.

علامه مجلسی در بحارالانوار، باب «الإِضْطِرَارُّ إِلَى الْحُجَّةِ...» این احادیث را جمع آوری نموده / مرحوم کلینی هم در کافی «کتابُ الْحُجَّةِ» روایات اینچنینی را ذکر می فرماید.

برای نمونه :

امام صادق فرمودند: پیوسته روی زمین، حجت خدا خواهد بود.

از مقاله آیت الله آصفی

فصلنامه انتظار موعود، ش ۵

دوازده خلیفه در منابع اهل سنت

جابر میگه نزد رسول خدا بودم و شنیدم که فرمود: «با وجود دوازده خلیفه، تکلیف و وضع امت، پیوسته آشکار است.»
احمد بن حنبل (از بزرگان اهل سنت) در صفحه ۸۶ جلد پنجم کتاب مُسندش، می نویسه: «این حدیث (دوازده خلیفه) را جابر از ۳۴ طریق، روایت می کند.»

منابع دیگر:

مُسند ابوعوانه، ج ۴، ص ۳۹۲

شرح بخاری، العینی، ج ۲۴، ص ۲۸۱

فتح الباری، عسقلانی، ج ۱۳، ص ۱۷۹

و...

از مقاله آیت الله آصفی

فصلنامه انتظار موعود، ش ۵

دوازده خلیفه؛ دوازده امام

دوازده خلیفه، در منابع اهل سنت:

جابر بن سمره گفت: شنیدم پیامبر فرمودند: «اگر دوازده مرد بر مردم، حکم رانند؛ پیوسته، کارشان رو به راه خواهد بود» سپس کلمه ای فرمودند که من نشنیدم. پدرم گفت: پیامبر فرمودند: «همگی، از قریش اند.»

منابع: صحیح مسلم ج ۶ ص ۳؛ صحیح بخاری کتاب الأحکام؛ سنن ترمذی ج ۴ ص ۵۱

دوازده امام در منابع شیعه:

آیا میدانستید در منابع شیعی، چقدر روایت داریم که به تعداد ۱۲ امام اشاره شده؟ شیخ حرّ عاملی، در جلد دوم کتاب ارزشمند «اثبات الهداء»، ۹۲۷ روایت در امامت دوازده امام آورده که در آنها، صریح و روشن «تعداد» و «نام امامان» آمده؛ مثلاً: ۹۵ روایت در کافی کلینی؛ ۵۳ روایت در عُیون صدوق؛ ۲۲ روایت در معانی صدوق؛ ۹۲ حدیث در کمال الدین و...

مقاله آیت الله آصفی - فصلنامه انتظار موعود، ش ۵

اخبار تولد حضرت حجت

پیامبر اکرم و امامان از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری خبر داده اند که بعد از به دنیا آمدن، از دیدگان پنهان میشود... آمار احادیث جمع آوری شده در کتاب «کمال الدین» در این باره، به شرح زیر است:

از پیامبر اکرم ۴۵ حدیث، حضرت زهرا ۴ حدیث، امام حسن ۲ حدیث، امام حسین ۵ حدیث، امام سجاد ۹ حدیث، امام باقر ۱۷ حدیث، امام صادق ۵۷ حدیث
مجموع روایاتی که در کتابهای «کافی، الغیبه، کمال الدین و غیره» بیش از هزار حدیث می باشد.

مخالفان پُر تقصیر:

- ۱- اولین کسی که به سبب بی اطلاعی از تولد، منکر ولادت امام مهدی شد، "جعفر" (عموی حضرت) بود. او به شدت مانع انتشار خبر ولادت می شد!!
- ۲- محمد اسعاف النشاشیبی میگوید: امام عسکری فرزند پسر یا دختری به جان گذاشت.

با توجه به منابع بسیار زیاد از شیعه و سنی درباره تولد، این سخنان، نه تنها صحت تاریخی نداشت بلکه بیشتر بوی غرض ورزی می دهد.

اولین کسانی که تو را دیدند...

چهل مرد از شیعیان دارای وجاهت، خانه ی امام عسکری جمع شدند تا از امام بعدی بپرسند؟ عثمان بن سعید قیام کرد و گفت: «ای پسر رسول خدا! میخوامم از شما راجع به چیزی سؤال کنم، که شما به آن عالم تر هستی» امام فرمودند: «ای عثمان! بنشین.» عثمان ناراحت شد و خواست خارج شود، امام فرمودند: «هیچ کس خارج نشود.» و هیچ کسی خارج نشد، پس از لحظاتی، امام، عثمان را صدا زدند و فرمودند: «آیا شما را خبر دهم که برای چه آمده اید؟» گفتند: «یابن رسول الله!»، امام فرمودند: «آمده اید تا از حجت پس از من سؤال کنید؟» گفتند: «آری» در این حال "پسری" که مثل قرص ماه بود... وارد شد

امام عسکری فرمودند: این پسر، پس از من، امام شما و جانشین من بر شماست. از او "اطاعت کنید" و بعد از من "متفرق نشوید" که در دینتان هلاک میشوید.

بازداشت زنان! مراقبتهای امنیتی!

در کتب تاریخی شیعه و سنی آمده که معتمد عباسی، مأموران را به خانه امام عسکری فرستاد و تمامی زنان را دستگیر و بازداشت کرد تا مگر ردّ پایی از تولد فرزند امام بیابد!

طبق نوشته ی کُتبی همچون «تاریخ طبری» (از کُتب اهل سنت) از معتمد عباسی حتی بعد از شهادت امام عسکری، شخصاً در جستجوی فرزند امام بود! مراقبت ها و نظارتهای سنگین امنیتی...!

چه شده بود که آنها به تولد فرزند امام، باور پیدا کرده بودند؟! چنین وقایع تاریخی، دلیل دیگری نیز بر «وجود امام مهدی» است.

شعر جالب یکی از بزرگان اهل سنت

«ابولفضل یحیی بن سلامه» شافعی مذهب و از علماء نامدار قرن ششم [متوفی ۵۵۱ ه.ق] است که شاید اولین فرد از اهل سنت باشد که به زبان شعر، اعتقاداتش را درمورد ائمه، مخصوصاً امام مهدی میگوید؛ از جمله اشعارش:

وَ سَائِلِي عَنْ حُبِّ اهل البیت هل اُقرُّ اِعلاناً به اُم اُجحدُ ...

ای کسی که از من درباره محبت اهل بیت می پرسی: «آیا به طور آشکار به آن اقرار کنم یا آن را انکار!» هیئات! بلکه محبت ائمه ی هدایت با گوشت و خونم آمیخته شده است. علی و پس از او حسن و حسین، سپس علی و فرزندش محمد و جعفر صادق... سپس حسن و آنکه به دنبال او می آید، یعنی محمد فرزند حسن (عسکری) که مورد اعتقادم هست...

المنتظم، ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۸۳

میلاذ، مجموعه مقالات... ص ۶۰

آنها هم می دانستند خواهی آمد اما آدرس تو را گم کرده بودند! [انحراف در مهدویت]

«کیسانیه» معتقد به امامت "محمد بن حنفیه" بودند. عده ای پس از مرگ ایشان، مرگش را منکر شده و گفتند: «او زنده است ولی غائب شده، در کوه رضوی پنهان است تا روزی که به او امر شود و ظهور کند» در واقع ایشان را همان امام منتظر می دانستند!

«زیدیه» چون از پیامبر شنیده بودند «مهدی از فرزندان حسین است، با شمشیر به پا می خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود» لذا "زید" پسر امام سجاد را مهدی موعود می دانستند! وی علیه ظالمان و خلفای اموی قیام نمود که در سال ۱۲۲هـ.ق به شهادت رسید.

«باقریه» معتقد به رجعت امام باقر بودند و ایشان را همان «مهدی منتظر» می دانستند! اسماعیلیه نیز اسماعیل فرزند امام صادق را همان امام قائم می پنداشتند که جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد.

تقریباً چنین بود حکایت ناووسیه، موسویه، محمدیه و عسکریه!

پیش بینی ائمه از انحراف در مهدویت!

معصومین می دانستند به لحاظ اهمیت موضوع مهدویت افراد شیادی پیدا شده و ادعاهای باطلی می کنند! لذا می بینیم صدها روایت نورانی به عنوان میراثی گران بها، از ایشان به ما رسیده؛ که او خواهد آمد، مردی از اهل بیت و از عترت پیامبر، از نسل فاطمه و از فرزندان حسین بن علی... برای نمونه:

قتاده بن سعید پرسید: «آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است. گفتم: او از کدام تیره است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام شاخه ی قریش؟ گفت: از گروه بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. گفتم: از کدام فرزند عبدالمطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه»

ولی در این میان دست های ناپاکی - به عناوین مختلف - کار را دشوار کردند؛ از جعل روایاتی بر انکار اصل مهدویت گرفته تا او را از نسل عباس عموی پیامبر معرفی کردن!! یا او را فرزند عبدالله نامی دانستن!! یا آن حضرت را از نسل امام حسن مجتبی معرفی کردن...!

الفتن، نعیم بن حماد، ج ۱، ح ۱۰۸۲

درسنامه مهدویت، ج ۱، درس ۸

آخرین جملات پیامبر به فاطمه...

ابوسعید خُدَری می‌گه: رسول خدا در لحظات آخر عمر مبارک خود، وقتی بی تابی دخترش فاطمه را مشاهده کرد چنین فرمود: «... ای فاطمه! شش خصلت به ما اهل بیت داده شده که به احدی داده نشده:

پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر توست. وصی ما بهترین اوصیاء است و او همسر توست. شهید ما بهترین شهیدان است و او حمزه عموی پدرت است. دو سبط این امت از ماست و آن دو، پسران تو هستند. «مهدی» این امت - که پشت سرش عیسی به نماز می ایستد - از ماست «آنگاه بر شانه حسین زد و فرمود: «مهدی، از ایشان است.» نهمین فرزند از نسل حسین...

کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۵۳

مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۱۳۷

کمال الدین، باب ۳۰، ح ۳

گریه شدید امام جواد علیه السلام

صقر بن أبی دُلْف می‌گه: از امام جواد پرسیدم «امام پس از حسن (عسکری) کیست؟» ایشان به شدت گریست و سپس فرمود: «پس از حسن، فرزندش قائم به حق امام منتظر است» گفتم «چرا او را قائم گویند؟» فرمود: «زیرا پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدان به امامتش مُرتد شوند، قیام می کند...»

کمال الدین، باب ۳۷، حدیث ۳

حضرت جواد الأئمه به عبدالعظیم حسنی فرمودند: «قائم ما اهل بیت همان مهدی موعود است که در غیبتش انتظارش و در ظهورش اطاعتش واجب است. او سومین فرزند از نسل من است...»

کمال الدین، باب ۳۶، حدیث ۱

تصریح امام عسکری به ولادت فرزندش

[این دو نمونه روایت "از جهت سند" صحیح هستند]

ابوهاشم جعفری میگوید به امام عسکری عرض کردم: هیبت شخصیت شما مرا از سؤال کردن باز می دارد، آیا اجازه می فرمایید سئوالی بپرسم؟ امام فرمودند: «پرس» عرض کردم: آقای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمودند: «بله» گفتم: اگر برای شما حادثه ای رخ داد، در کجا سراغ ایشان بروم؟ امام فرمودند: «در مدینه»

ابن بلال (از شخصیتهای بسیار بزرگ و مورد اطمینان) میگوید: از طرف امام عسکری، دو سال قبل از شهادت ایشان به من پیغامی رسید که از جانشین بعد از خود، مرا مطلع ساختند. بار دیگر سه روز قبل از شهادتشان در پیغام جدیدی دوباره مرا نسبت به جانشین خود، یادآوری فرمودند.

الکافی، ج ۱، باب ۷۶، حدیث ۲ و ۱

در انتظار ققنوس، ص ۱۴۸

سلام های بسیار جالب توجه...

فضل بن روزبهان (از بزرگان اهل سنت) در کتابش «إبطال الباطل» جملاتی در حق اهل بیت بیان می‌کند و در انتها می‌نویسد:

«چه نیکو درباره ی ایشان سروده ام: سلام بر مصطفای مجتبی، سلام بر سید مرتضی، سلام بر بانوی ما فاطمه آن که خداوند او را خیرالنساء قرار داد، سلامی از نفس های مشک بر حسن.. سلام بر حسین آن زاهدترین شهید.. سلام بر سید و سرور عابدین.. سلام بر باقر هدایت یافته، سلام بر صادق پیشوا، سلام بر کاظم امتحان شده و اسوه ی تقوا، سلام بر هشتمین علی بن موسی الرضا.. سلام بر تقی تقوا پیشه.. سلام بر هادی مردمان.. سلام بر سید عسکری امامی که سپاه صدق و صفا را مجهز و آماده می سازد.

سلام بر "قائم منتظر" ابوالقاسم، آن تندر و نور هدایت؛ که چون خورشیدی در شب تار خواهد دمید، نجات خواهد بخشید او که شمشیرش برگزیده است، قدرتمند و توانایی که زمین را از عدل، لبریز خواهد کرد.. سلام بر او و پدران و یاورانش تا زمانی که آسمان برافراشته است.»

دلائل الصّدق، مظفر، ج ۲، ص ۵۷۴

در انتظار ققنوس، ص ۱۶۸

دارای پدری نمونه...

درباره ویژگیهای امام عسکری نوشته اند: رنگش گندم گون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامی متناسب داشتند. با آنکه جوان بود اما بزرگان قریش و دانشمندان آن زمان را تحت تاثیر قرار می داد. دوست و دشمن به برتری ایشان در علم، حلم، جود، زهد، تقوا و سایر زیبایی های اخلاقی اذعان داشتند.

تنها ۲۸ بهار را درک نمود اما فقط شیخ طوسی تعداد شاگردان آن حضرت را بیش از یکصد نفر ثبت کرده! در میان آنها، چهره ها و شخصیت های برجسته و وارسته ای به چشم می خورند؛ مانند: احمد بن اسحاق، ابوهاشم، عثمان بن سعید، علی بن جعفر، محمد بن حسن صفار و...

دو مسئولیت مهم و خطرناک!

پس از انتقال امام هادی از مدینه به سامرا، آن حضرت به شدت تحت مراقبت و کنترل بود! لذا به دلیل شرایط نامساعد و محدودیتهای فراوانی که وجود داشت، هنگام رحلت امام هادی حتی عده ای از شیعیان از امامت حضرت «حسن عسکری» آگاهی نداشتند!

چه رسد به هنگام تولد منجی موعود، که وضعیت سنگین امنیتی دستگاه وقت باعث شده بود امام عسکری بسیار مراقب جان فرزند خود باشد و او را در پرده ی «پنهان زیستی» نگه دارد تا از گزند بدخواهان در امان بماند.

اما از طرفی باید او را برای عده ای معرفی می کرد تا آنها بدانند جانشین ایشان کیست و اخبار تولد فرزندش را به گوش تاریخ برسانند...

منابع در "درسنامه مهدویت" ج ۱

چرا مادر امام زمان، نام های متعددی دارد؟

در کانون خانواده امام عسکری، آن بانوی گرامی را به نامهای مختلفی از قبیل «نرجس»، «سوسن»، «حدیثه»، «حکیمه»، «ملیکه» و «ریحانه» صدا میزدند. از دیدگاه یکی از پژوهشگران، علت تعدد نام های آن بانو، می تواند چند چیز باشد:

۱- علاقه و محبت فراوان مالک ایشان به وی، باعث شده بود که ایشان را با بهترین و زیباترین نامها صدا بزنند؛ که تمام نامهای آن بانو، اسامی گلها و شکوفه هاست.

۲- با توجه به فشارهای شدید دستگاه حکومتی، احتمال اسارت و احتمال زندانی شدن، لذا ایشان برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، جهت رد گم کنی و سر در گمی ظالمان، باید نقشه هایی می اندیشید، بر این اساس هر روز نامی تازه برای خود می نهاد و اهل خانه او را به نام جدید صدا می زدند.

"درسنامه مهدویت" ج ۱، ص ۱۶۷

میم مثل مادر...

اگرچه از سرگذشت مادر امام مهدی سخن صریح و روشنی در دست نیست اما طبق نظر مشهور (که از برخی روایات بدست میاد) ایشان کنیزی بود که در جنگی اسیر شد و در نهایت به خانواده گرامی امام عسکری پیوست.

مثلا یکی از روایت ها؛ حکایت از آن دارد که ایشان ">شاهزاده رومی <" بوده و بصورت اعجاز گونه ای به منزل امام عسکری راه یافته اند. شیخ صدوق در داستان مفصلی، شرح این حکایت را ثبت نموده که بسیار خواندنی ست.

میتوانید جهت مطالعه، به کتاب قدیمی «کمال الدین و مقام النعمه» جلد ۲، باب ۴۱ مراجعه بفرمایید. (متن فارسی آن، در کتاب فروشی ها یافت میشود)

سرگذشت مادر امام مهدی...

در منابع معتبر هیچ گونه اشاره ای به سرگذشت مادر امام زمان، بعد از تولد فرزندش نشده، البته سخنی که در این باره نقل شده این است:

«چون جعفر کذاب، خانه امام عسکری را غارت نمود، ابوعلی می گوید: کنیزی از منزل ایشان از دست جعفر فرار کرده و به خانه من پناه آورد. او گفته که در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت (از دیگر نامهای مادر امام مهدی است)

امام عسکری صقیل را از آنچه در آینده بر سر خاندانش می آید آگاه کرد. او از امام درخواست کرد که از خداوند بخواهد تا مرگش را پیش از آن برساند. وی در حیات امام عسکری درگذشت و بر سر قبر ایشان لوحی است که بر آن نوشته اند: این قبر مادر محمد است»

نامه ی پر از شوق از پدر

در تایید اعلام خبر ولادت امام زمان

احمد بن اسحاق قُمّی می‌گه: چون خلف صالح (حضرت مهدی) متولد گردید از مولایم امام حسن عسکری علیه السلام به جَدَم نامه ای رسید که در آن "با دستخط خود ایشان" نوشته بود:

برای ما فرزندی متولد شده است و باید نزد تو مستور و از مردم مکتوم بماند که ما جز به «خویشان» و «دوستان» اظهار نکنیم، خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خداوند تو را شاد سازد همچنان که ما را شاد ساخت، و السَّلام.

کمال الدین، باب ۴۲، حدیث ۱۵

عقیقه برای تولد حضرت مهدی

یکی از برنامه‌ها و سنت‌های سفارش شده در دین، سنّت عقیقه کردن (یعنی قربانی کردن گوسفند) برای نوزاد است که برای سلامتی فرزند و برکت زندگی او تأثیر دارد و امام حسن عسکری با انجام عقیقه برای حضرت مهدی، ضمن عمل به این سنّت دینی، بسیاری از شیعیان را از ولادت آن حضرت آگاه کرد.

چون «امام مهدی» متولد شد حضرت عسکری، به عثمان بن سعید (نائب اول) فرمودند: ۱۰ هزار رطل نان و ۱۰ هزار رطل گوشت خریداری کن و تقسیم کن (احتمالاً میان بنی هاشم) و چند گوسفند برایش عقیقه کن».

ایشان حداقل دو هدف مهم داشتند؟ ۱- سلامتی فرزند. ۲- معرفی جانشین و «اعلام تولد منجی» به عموم مردم بویژه مستضعفان..

گزارش فارس؛ استاد یوسفیان

کمال الدین، باب ۴۱، حدیث ۱۰

م ح م د

آیا می شود نام امام زمان را به نام خاص بگوییم؟ در این باره چهار مدل روایات به ما رسیده است: ۱- جایز نیست مطلقاً. ۲- جایز نیست تا هنگام ظهور. ۳- جایز است در صورت نبودن خطر و تهدید. ۴- جایز است.

روایاتی داریم که در آن به صراحت، اشاره به نام خاص حضرت شده؛ بعنوان نمونه: امام صادق فرمودند «خلف صالح از فرزندانم، مهدی ست. نامش «محمد» و کنیه اش ابوالقاسم...»

کشف الغمه ج ۲؛ کمال الدین

گاهی دانشمندان شیعه هم در کتب شان، نام حضرت را نقل کرده اند: افرادی چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه حلی، محقق کرکی، اربلی، علامه مجلسی، شهید اول، قاضی نعمان...

نتیجه اینکه: تنها راه جمع بین روایات، این است که بگوییم در زمان غیبت کبری، اگر بُردن نام آن حضرت، موجب ضرر و زیان نگردد جایز است. به قول معروف (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد)

چهره ی حضرت مهدی

در دوران کودکی: سفیدرو و زیبا، پیشانی درخشان، در گونه راستش خالی، مویی از بالای سینه تا ناف به رنگ سبز - نه سیاه - روئیده است... موهای سرش از هم جدا یعنی فرق سر ایشان همچون الفی میان واو!

در دوران غیبت: صورتی گندم گون، گردنی زیبا، قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، پیشانی بلند، چهار شانه، بینی کشیده، بر روی گونه راستش خالی زیبا...

هنگام ظهور: جسمی فوق العاده نیرومند، در سن پیران اما سیمای جوان (حدود چهل ساله)، رنگش سفید آمیخته به سرخی، پشتش دو خال دارد یکی به رنگ پوستش، شانه ای پهن، بلند پیشانی، بینی ایشان باریک، دارای ران های درشت، خالی بر ران راست، چشمانی سیاه و درشت همچنین گرد و فرو رفته، ابروانی پُرپشت و برجسته، میان دو دندان پیشین ایشان، گشاده است و موهایی مُجَعَّد (موی پیچ و تاب دار) دارد...

منابع در درسنامه مهدویت، ج ۱، درس ۱۴

نامه ها و فرمایشات، اکبرنژاد، ص ۳۳

آیا میدانستید کدام لقب حضرت مهدی از القاب دیگر،
بیشتر استفاده شده است؟؟

با مراجعه به روایات، میشود گفت هیچ لقبی به اندازه «قائم»
استعمال نشده... «قیام حضرت مهدی» درخشان ترین فصل
زندگی ایشان است.

مهمترین علتِ وصف حضرت به این لقب، این است که ایشان
در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگترین
قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد.
حال، آیا دین از سیاست جداست؟!

الارشاد، مفید، ص ۷۰۴، ج ۲

درسنامه مهدویت، ج ۱، ص ۲۳۰

امامان را اینگونه بشناسیم...

ابونصر میگوید: بر صاحب الزمان وارد شدم و طبق فرمایش حضرت برایشان صندل احمر [نوعی چوب خوش بو] بُردم. آن حضرت از من پرسید: آیا مرا می شناسی؟ گفتم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. فرمود: مقصودم این نبود!

عرض کردم: خدا مرا فدای شما گرداند، مقصودتان چه بود؟ حضرت فرمود: من خاتم اوصیاء هستم که خداوند به وسیله ی من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد.

یکی از القاب امام زمان خاتم الاوصیاء است؛ یعنی «پایان بخش اوصیای آخرین پیامبر»، لقبی که خود ایشان در سنین کودکی بر زبانش جاری شد.

دلیل تعدّد القاب امام زمان

به نظر می رسد، متعدّد بودن القاب امام زمان، دلیل دیگری بر وضعیت امنیتی و خطرناک آن دوران بوده است.

«صاحب الدار» به معنای «صاحب خانه ی پدری و جدّ ایشان است» که در آنجا غایب شده. اسحاق بن یعقوب میگوید: توقیعی (و متنی) به خط مولایم «صاحب الدار» صادر شد...

امروزه بعضی افراد، فقط یک اسم مستعار دارند، چرا امام زمان به چندین لقب، مورد خطاب قرار می گرفتند؟ به نظر نمی رسد که تمام القاب، فقط جهت معرفی ویژگیهای ایشان باشد. القابی مانند: صاحب الدار، صاحب الزّمان، غریم، غلام، منصور، صاحب السّیف، فرید، قائم، صاحب الأمر، شَرید، مضطر، مهدی و...

قبل از آمدن «حجت» خدا اتمام حجت می کند!

امام کاظم فرمودند: «خدا بر مردم دو «حجت» قرار داده؛ یکی ظاهر و آن عبارت است از پیامبران و رهبران دینی، و دیگری باطن و آن عقل است»

به آیه ۱۶۵ سوره نساء، دقت کنید: «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا "بهانه و حجتی" نباشد و خدا توانا و حکیم است»

آیا فکر کرده اید؛ چرا یکی از القاب یارغائب از نظر «حجت» است؟! و چرا به "حجة" بن الحسن العسکری، شهرت دارد؟!

کافی، ج ۱، ص ۱۵

بحار، ج ۲۵، ح ۶ و ج ۹۷، ص ۳۴۳

تعابیر جالب امام باقر درباره شناخت امام مهدی

حکم بن ابی نعیم میگوید: مدینه، خدمت امام باقر رسیدم، گفتم: من بین رکن و مقام نذر کرده ام از مدینه بیرون نروم تا بدانم شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ حضرت هیچ پاسخی به من نفرمودند. ۳۰ روزی گذشت... سپس در مسیری دوباره ایشان را دیدم، فرمودند: ای حکم! تو هنوز اینجا ای؟ گفتم: بله، من که عهد خودم را به شما عرض کردم و شما پاسخی نفرمودید. ایشان فرمود: فردا صبح زود، بیا منزل ما.

فردا رفتم خدمت ایشان، گفتند «مطلبت را بپرس»؛ گفتم: نذر کرده ام از مدینه خارج نشوم تا اینکه بدانم شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر هستید در کنار تان خدمت کنم و گرنه در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم. فرمودند: ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم. پرسیدم آیا شما مهدی هستید؟ فرمودند: همه ما به سوی خدا هدایت می کنیم. عرض کردم آیا شما صاحب شمشیر هستید؟ فرمودند: همه ما صاحب و وارث شمشیر (پیامبر) هستیم، پرسیدم شما آن هستید که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا بوسیله او عزیز میشوند...؟

فرمودند: ای حکم! چگونه من، او باشم! در حالیکه به ۴۵ سالگی رسیده ام؛ حال آنکه «صاحب این امر از من به دوران شیرخوارگی نزدیک تر و هنگام سواری چالاک تر است».

کلام آخر، ترازوی کافر شناسی

امام کاظم میفرماید: کسیکه درباره چهار چیز شک کند، به تمام آنچه خدا نازل کرده کافر شده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

بحار الانوار؛ جلد ۶۹؛ صفحه ۱۳۵

از آنچه تا کنون در حوزه وُجوب شناخت امام زمان بیان شد، به این نتیجه میرسیم که مساله شناخت، اولین و مهمترین مرحله کار در عرصه مهدویت است. چرا که شناخت، مقدمه و موتور محرکِ عمل است. پس باید:

امام زمان را بشناسیم (با مطالعه) و تا میتوانیم به مردم دنیا بشناسانیم

تلنگر: محال است انسان حق طلبی، امام مهدی و مسائل مربوط به غیبت و ظهور را کامل بشناسد و نسبت به ایشان و ظهورشان بیتفاوت باشد.